



روز جهانی اعتراض علیه بی حقوقی زنان



معصومه شهبازی

به ۸ مارس نزدیک می شویم روز جهانی اعتراض علیه بی حقوقی زنان. ۲۸ سال است که ما زنان هر روز با این رژیم فوق ارتجاعی و چماق بدست، دست پنجه نرم میکنیم هنوز چند روز از به قدرت رسیدن این رژیم نگذشته بود که حکم های اسلامی ضد زن یکی پس از دیگری صادر شد و شلاق و زندان و سنگسار و اعدام، آپارتاید جنسی به زندگی روزمره زنان در ایران تبدیل شد ۲۸ سال است این ظلم و جور ستم را بر زنان روا میدارند و با تحمیل سنتهای پوسیده و ارتجاعی خشونت و تبعیض و مذهب بر زنان زندگی را روز به روز بر آنان دشوارتر کرده اند. ۲ ص



احمدی نژاد آخرین مشکل جمهوری اسلامی



نیما محبی

در چند وقت اخیر با بالا گرفتن بحران های شدید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظام جمهوری

اسلامی چه در عرصه ی داخلی و چه در عرصه ی خارجی به وسیله بخشی از حاکمیت و اپوزیسیون راست و دواخوردادی های شکست خورده این گونه به جامعه القا می شد که تمام مشکلات به وجود آمده تنها تقصیر احمدی نژاد و دولت اوست و دیگر ارکان جمهوری اسلامی و نظام هیچ نقشی در این مشکلات ندارند. این سیاست می خواهد بگوید که با حذف احمدی نژاد تمامی مشکلات داخلی و خارجی جمهوری اسلامی قابل حل است و جمهوری اسلامی تبدیل به یک نظام متعارف درست می شود. اینان قصد دارند اولاً از کل تاریخ و عملکرد گذشته خودشان بدین شکل غبار زدایی کنند یعنی کل عملکرد خودشان را که در راستای تثبیت نظام ضد انسانی و ناقض تمامی حقوق و آزادی های انسانی جمهوری اسلامی تظہیر کنند و از طرف دیگر خودشان را در جایگاه ناجیان جامعه جا بزنند و به مردم فلاکت زده و مستعصل ایران بگویند که راه نجاتشان روی کرد دوباره به آنان است. ← ۲ ص



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

این "قهرمانان" شایسته چه هستند؟



بهرام مدرسی

نوشته ای از طرف عابد توانچه درباره "انتخابات شورای مرکزی تحکیم" عکس العمل های

متفاوتی را سبب گشته است. چه برای کسی مثل من که نه تنها عضو تحکیم وحدت نبوده است بلکه از روز اول تشکیل دفتر تحکیم وحدت علیه آن مبارزه کرده است و چه برای کسانی که تجربه ای با تحکیم وحدت داشته اند. توجه به این عکس العمل ها خالی از لطف نیستند

امیر راعی فرد از جمله اولین کسانی است که در این باره اظهار نظر کرده است. آقای علی افشاری هم البته برای جانمندان از قافله "کامنت ها" و "مرحبا" "مرحبا" بی هم به نقد آقای راعی فرد اعلام کرده است. لب کلام همه شان یک چیز است

اولاً- تحکیم وحدت خیلی هم خوب است. جریانی دمکرات بوده است و بقول آنها حتی "دمکرات ترین" جریان هم بوده است.

دوما- اگر روزی آقای عابد توانچه و سایر منتقدین چپ این جریان "در این دفتر اسم و رسمی داشته اند" دلیلش نه این بود که آنها مورد قبول "بدنه" دانشجویی بودند، بلکه به همت "عنايت و همراهی" کسانی مثل آقای افشاری بوده است.

سوما- میپرسند که اگر تحکیم اینقدر بد است، چرا "سوارش" شدید و امروز "پیاده" میشوید و این را دلیل قدرت طلبی این منتقدین میدانند چهارما- سوال میکنند که آیا امروز باید هر دانشجوی معترضی "با کتاب های منصور حکمت" لب بگشاید؟

پنجما- دانشجویانی که پلاکاردهای "سرخ رنگ چپ نما" را در دست گرفته اند، احتمالاً منظورشان در مراسم ۱۶ آذر تهران است، معنی سرخ رنگی این پلاکاردها را نمیفهمند ← ۳ ص



Photo: Behnam Sadighi

FARS NEWS AGENCY

→ روز جهانی اعتراض...



ایم که به آنها اجازه سرکوبگری نمی دهیم، نشان داده ایم که نمی ترسیم و فعالیت‌های اعتراضی مان را گسترده تر خواهیم کرد و ما زنان همچنان شعار "نه روسری نه توسری" بر لبهای مان جاریست.

باید در ۸ مارس امسال دست در دست هم دهیم و با تمام قدرت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را به صحنه بکشیم و حول "زنده باد آزادی و برابری" و "نه به حجاب اجباری و نه به آپارتاید جنسی" متحد شویم. جمع شدن ما حول این شعارها احترام به حقوق زن و "نه" بزرگی خواهد بود به رژیم جرم و جنایت اسلامی. قطعاً این وظیفه ما چپ‌هاست که با پراکتیک و شعارهای رادیکال و برابری طلبمان پرچمدار جنبش عظیم زنان در ۸ مارس باشیم.

زنده باد آزادی بی قید و شرط زنان

زنده باد ۸ مارس

www.8-mars.blogfa.com



→ احمدی نژاد آخرین مشکل

در عرصه داخلی، گرانی های روز افزون و شکاف شدید طبقاتی را می خواهند نتیجه سیاست های یکی دو ساله اخیر احمدی نژاد بدانند اما باید به اینان گفت که مردم فراموش نکرده اند که در زمان زمام داری شما این گرانی ها و شکاف طبقاتی وجود داشت. این گرانی ها و وضع بد اقتصادی و معیشتی مردم در آن زمان نیز وجود داشته و نتیجه سیاست های سرمایه داری شما که از طرف سرمایه داری جهانی در قالب توصیه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته می شده است، بوده است. در زمان حاکمیت خود شما نیز به بهانه خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی میلیون ها کارگر از حقوق ابتدایی خویش محروم شده بودند و هزاران نفر از کار بی کار شدند. این وضعیت اقتصادی فلاکت بار تنها مختص و نتیجه سیاست های یکی دو ساله احمدی نژاد نیست. این وضع فلاکت بار دقیقاً ادامه و محصول همان وضعی است که خود شما پایه های کثیف اش را ریخته اید! سیاست های اقتصادی احمدی نژاد دنباله طبیعی و محصول اجتناب ناپذیر سیاست های شماسست. احمدی نژاد جزئی از خود شماسست.

اینان می خوانند بگویند که در زمان آنان آزادی های سیاسی، اجتماعی و فردی بسیار مطلوب بوده است و این دولت احمدی نژاد بوده است که با سیاست های اجتماعی و فرهنگی قرون وسطایی اش می خواهد تمام آن ها را سرکوب کند و امتیازات را پس بگیرد. اولاً باید گفت در زمان زمام داری رفسنجان و

خاتمی چندان آزادی های واقعی سیاسی، فردی و اجتماعی به مردم داده نشده بود که الان قرار باشد از آنان پس گرفته شود. اگر اندک آزادی و مفری برای تنفس هم در آن زمان وجود داشت نتیجه مبارزات بی امان و شدید مردم بود و نتیجه عقب نشینی شما. این مردم بودند که به زور از شما حقوق شان را می گرفتند نه این که شما از سر لطف این آزادی ها را می دادید. بلکه مردم مجبور تان کرده بودند. در شرایط حاضر هم احمدی نژاد کار خاصی نکرده است بلکه تنها سیاست های سرکوب گرایانه ی شما را ادامه داده و به شکل عربان تری انجام می دهد. و این امر چیز جدید برای مردم نیست بلکه این وضعیت ۲۷ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی است. مردم هم این راه خوبی می دانند و در همین راستا مبارزات خود را تشدید می کند و تنها به خودشان برای رسیدن به آزادی چشم امید دارند نه به هیچ کس دیگر از قبیل شما ها!

در مورد سیاست های خارجی و هسته ای نیز می خواهند بگویند این عملکرد احمدی نژاد است که این بحران را به وجود آورده است. البته از مخ های کودن دیدگاه سطحی نگر یک مشت ژورنالیست بی سواد دو خردادی بیش از این هم انتظار نمی رود که جلو تر از دماغ شان را ببینند!

از اینان انتظاری نیست که بفهمند این بحران نه بر سر انرژی هسته ای که به بهانه ی آن است. سرمایه داری جهانی به سرکردگی آمریکا با اسلام سیاسی در خاورمیانه در نبرد است و بخشی از این نبرد نیز با جمهوری اسلامی است و این وسط انرژی هسته ای تنها بهانه

ی این نبرد است. اما این را باید گفت که این بحران محصول سیاست های چندین دهه کل حاکمیت جمهوری اسلامی است. هنوز سروصدای شما را فراموش نکرده ایم که افتخاز کسب انرژی هسته ای را به حساب رفسنجانی و خاتمی می خواستید بنویسید و این افتخار را از دست دولت احمدی نژاد در آورید! در ضمن سیاست های احمدی نژاد نموداری از سیاست های کل نظام جمهوری اسلامی است و ادامه طبیعی سیاست های هسته ای دولت های قبلی! احمدی نژاد تنها مشکل جمهوری اسلامی نیست که با رفتن او همه چیز حل می شود و کشور گل و بلبل خواهد شد. احمدی نژاد محصول طبیعی دولت های قبلی و سیر قهقهه رایی جمهوری اسلامی است. احمدی نژاد از دامن رفسنجانی ها و خاتمی ها عروج کرده است. سرنوشت جمهوری اسلامی با سرنوشت دولت احمدی نژاد گره خورده است و با کنار رفتن احمدی نژاد نه تنها مشکل جمهوری اسلامی حل نمی شود بلکه مشکل مردم ایران حل می شود چون احمدی نژاد آخرین مشکل جمهوری اسلامی است با سقوط دولت احمدی نژاد ناقوس سرنوشتی جمهوری اسلامی آخرین زنگش را می زند.

پس بهتر است کسانی که منافع شان در حفظ جمهوری اسلامی است، بفهمند! که نباید دولت کریمه احمدی نژاد را تضعیف کنند و گرنه خودشان با دست خودشان به سرنوشت کلیت جمهوری اسلامی کمک کرده اند! چرا که یکی از دو بال کرکس جمهوری اسلامی احمدی نژاد است که با شکستش این کرکس به زمین خواهد افتاد.

نقل از کمونیست ۱۲۱

گارد آزادی، سرنگونی جمهوری اسلامی و ...

کوروش مدرسی



خواهانه میخواند. مسئله این است که در دوره ای که ما در آن زندگی میکنیم، در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن تا زمانی که مردم اسلحه بدست میگیرند، روشن میشوند، میخوانند و میتوانند در قالب شوراهای جامعه و آزادی دفاع کنند یک لشکر سلم و تور آدم کش مسلح در یوزبسیون و اپوزبسیون هست که میخواهند و میتوانند از مردم آزادی و امنیت را سلب کنند، به مردم را سرکوب کنند، به انقلاب خون به پاشند و مردم را به تباهی بکشند. کسی هست که واقعیت به این سادگی را نفهمد؟ با حس نیت که نمیشود در مقابل اینها ایستاد. ص ۴

را گفته مانع کسی شوند، نیروئی باشد که گوش آنها را بگیرد و اجازه ندهد این کار را بکنند. اگر کسانی خواستند آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اعتصاب را محدود کند و یا سرکوب کنند گارد آزادی باشد که پشیمان شان کند. *ما قدرتی را سازمان میدهیم که جلو هر کس که بخواهد آزادی مردم را سلب یا محدود کند را بگیرد. این قدرت یک دولت است و یک نیروی مسلح. دولتی حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی. با وجود چنین دولت و چنین نیروی مسلحی است که آزادی مردم تضمین است. به مردم آزادی انتخاب داده میشود.

*میپرسید دولت موقت چرا؟ میگویم کسی که نتواند آزادی را به تضمین کننده آزادی و تضمین کننده آزادی را به ضرورت دولت تسری دهد فقط دارد دعای آزادی

توضیح: آنچه در اینجا میخوانید بخش هائی از پاسخ کوروش مدرسی به سوالاتی است که در جلسه گفت و شنود رهبری حزب در دهم دسامبر ۲۰۰۵ (۱۹ آذر ۱۳۸۴) مطرح گردید. در این جلسه که به دعوت تشکیلات استکهرلم حزب بود عبدالله دارابی، مهرنوش موسوی و کوروش مدرسی شرکت داشتند حاضرین در جلسه سوالات و نقطه نظرات خود را حول سیاست های حزب بیان داشتند. سرنگونی رژیم اسلامی و انقلاب آینده ایران، قدرت کمونیسم در کردستان و تشکیل گارد آزادی و اهداف آن بیشترین وقت مباحثات و سوالات را به خود اختصاص داد. با تشکر از مینو همیلی که در تنظیم این مطلب کمک کردند.

*میپرسید گارد آزادی برای چیست؟ جواب این است: برای این است که اگر شورای کارگری درست کردید و حزب دمکرات، فاشیست ها، اسلامی های جدید، مجاهد یا هر دارو دسته دیگری آمد آنها تعطیل کند و یا دوباره به سیاق آقای بنی صدر اعلام کنند "شورا پورا مالیده" یا چون خدا این را گفته یا شاه و مقدسات ملی یا مذهبی آن

شما- در دامه میپرسند که آیا همه آنها که این پلاکاردهای "سرخ رنگ چپ نما" را به دست گرفته اند، دیگر بعنوان لشکر مارکس محسوب میشوند؟ به این قهرمانان باید گفت:

اولا: تحکیم وحدت درست به اندازه خود رژیم اسلامی "دمکراتیک" است. بعنوان یکی از ارگان های این رژیم در دانشگاه ها، نمیتواند چیزی جدا از این حکم باشد جدا امروز چنین ادعایی معذرت میخواهم اما روی زیادی میخواهد تنها کسی که "دمکرات" بودن رژیم اسلامی را قبول دارد، میتواند از "دمکراتیک" بوده تحکیم وحدت دفاع کند. همه انتقادات عاید توانچه به شما وارد است! ضمن اینکه شمایی که هنوز در دنیای "دمکراتیک" تحکیم و آمریکا و غیره "سیر" میکنید آن "پایین" مردم دیگر نه به دمکراسی نوع آمریکایی و نه دمکراسی اسلامی اعتقاد دارند آنها مدافع آزادی هستند! مدافع برابری هستند!

دوما- یکی از رهبران سابقان آقای افشاری میگوید که این دفتر آنقدر "دمکراتیک" بوده که آقای توانچه نه بخاطر رای دانشجویان و یا بقول ایشان "بدنه" بلکه بخاطر الطاف ایشان و برادرانشان انتخاب شده است. خوب این اثبات ادعای عاید توانچه نیست؟ این چه دمکراسی است که از آن دفاع میکنید؟ خجالت نمیکشید؟ سوم- کسانی که دورانی "سوار" تحکیم وحدت شدند، امروز از آن با کمال احترام پیاده شده اند و نقدش میکنند آنقدر "دمکرات" هستید که نقد را قبول کنید؟ میگویید این دلیل قدرت طلبی است؟ قدرت طلبی ابدی "چیز" بدی نیست! کسی که "قدرت طلب" نباشد در جامعه نمیتواند کاری از پیش ببرد.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



زحمتکش را به چماق بدست سرکوب هم طبقه ای هایشان تبدیل میکنند. ما برای اینکه صدای مان، صدای سوسیالیسم، را به گوش طبقه کارگر برسانیم بدو باید این ابزارها از دست این مرتجعین در آوریم. باید هر وقت توانستیم قدرت را بگیریم و آن را نگاه داریم تا بتوانیم به مردم امکان انتخاب بدهیم. وگرنه اصولاً نمی گذارد صدای من و شما به گوش کسی برسد. شرط دادن امکان انتخاب آزاد و بدو قدرت را از دست اینها در آورد. این ایده که به تدریج آگاهی پخش کنیم تا مردم رشد کنند و بعد اکثریت می شویم و قیام میکنیم عملی نیست. به عمر من و شما قد نمیدهد. به عمر نسل بعدی هم قد نمیدهد. *میپرسید دولت موقت چیست؟ میگویم این دولت قیام کنندگانی است که متأسفانه در انقلاب جاری هنوز زیر پرچم سوسیالیسم نیستند. هرکس قیام کرد لابد دولتی تشکیل میدهد. سوال این است این دولت چه دولتی است؟ یا چه دولتی باید باشد؟ واقعیت این است که به عکس انقلاب ۵۷، این بار تکلیف قدرت سیاسی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تعیین میشود. سوال این است که آیا شما نقشه ای برای این دوران تعیین تکلیف دارید؟ اگر این دولت و یا این انقلاب سوسیالیستی نباشد شما اصلاحی کاری با آن

→ اسلامی ها تا دندان مسلح هستند. آمریکا دارد آدم های اش را مسلح میکند، دارد به آنها پول و تلویزیون و غیره میدهد، با آنها واحد عملیاتی مشترک درست میکند، فدرالیسم را آن قدر باد زده اند که سلطنت طلب های غیر فدرال هم کیش مات شده اند. مردم این را می بینند و می فهمند. در چنین بلبشویی کسی که فقط شعار میدهد و راه عملی دفاع از مدنیت، دفاع از آزادی و دفاع از امنیت مردم را نشان نمیدهد تنها سفیه نیست، یک کلاه بردار سیاسی، یک همکار سناریو سیاهی ها و یک مجرم است. *بحث من این است که اگر مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه نظام آینده حکومتی خود را انتخاب کنند سوسیالیسم را انتخاب میکنند. به شرطی که بتوانند آزادانه و آگاهانه انتخاب کنند. و کل هنر بورژوازی این که اجازه و امکان این انتخاب آزادانه و آگاهانه را نمیدهد. رسماً آنرا سرکوب میکند، با دارو دسته های مسلح و باند سیاهپوش اجازه نمیدهد، با میدیا و ژورنالیسم نوکر و دستگاه مذهبی اش نمی گذارد اصلاً صدای انسانیت به گوش کسی برسد. هنر بورژوازی این است که آزادی هر کس را عملاً به اندازه قطر کیف پول او تعیین میکنند. هنر بورژوازی این است که با کمک بیکاری و فشار اقتصادی مردم کارگر و

یعنی قدرت سرکوب متجاوزین به آزادی، یعنی قدرت سرکوب متجاوزین به بند های منشور سرنگونی. در دنیای ما با پدیده جدیدی روبرو هستیم. کسی که به خودش بمب میبندد و خود را جلسه در شورا یا در صف نان و اتوبوس منفجر میکند را با تظاهرات و اعتصاب نمیشود پشیمان کرد. امروز در بغداد نمیشود اعتراض توده ای را سازمان داد. میدانید چرا؟ برای اینکه بیست نفر که جمع شوند هفتاد تا گروه دیگر به آنها خمپاره و آر پی جی میزنند. مگر میشود در بغداد شورا درست کرد؟ مگر در کرکوک میشود شورا درست کرد؟ در افغانستان میشود شورا درست کرد؟ آدم سر میبرند.

کسی باید باشد که نتنها بگوید نکنید، بتواند تضمین کند که نمی گذارد این کارها را بکنند. مادر مقابل این انتخاب قرار گرفته ایم. مبنای بحث گارد آزادی و مبنای بحث دولت موقت هم همین است.

*من سوسیالیسم میخواهم، همین امروز هم آن را میخواهم. الان هم به مردم میگویم دولت موقت اصلاً

**دست مذهب
از زندگی
مردم کوتاه!**